

Submit Date: 24 November 2025

Revise Date: 09 April 2026

Accept Date: 16 April 2026

Initial Publish: 29 April 2026

Final Publish: 21 March 2027

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

The Role and Status of Third Parties in the Arbitration Process: A Comparative Study of the Iranian Legal System and International Rules (UNCITRAL and the International Chamber of Commerce)

Peyman Tofighi Boroujeni¹, Maryam Ghorbanifar^{*2}, Ali Radan Jebeli¹, Hossein Kaviar⁴

1. Department of Law, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran

2. Assistant Professor, Department of Private Law, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran

3. Department of Law, Arak C., Islamic Azad University, Arak, Iran

4. Associate Professor, Department of Law, Arak University, Arak, Iran

* Corresponding Author's Email: M.ghorbanifar@khuif.ac.ir

ABSTRACT

This study examines the role and status of third parties in the arbitration process and seeks to analyze the strengths and weaknesses of the Iranian legal system in comparison with international regulations, such as the UNCITRAL Rules and the Rules of the International Chamber of Commerce. The primary objective of this research is to achieve a clearer understanding of the mechanisms for the entry, joinder, and objection of third parties during arbitration proceedings and to propose solutions for maintaining a balance between the rights of the disputing parties and those of third parties. Using a comparative method, this study analyzes legal instruments, judicial practices, and legal doctrines. The findings indicate that, within international systems, the intervention of third parties is recognized based on principles such as representation, the doctrine of estoppel, and legal interest. In contrast, the Iranian legal system faces challenges due to the absence of clear legislation and a consistent procedural framework in this area. Furthermore, international regulations, such as the Rules of the International Chamber of Commerce and the UNCITRAL Model Law, provide mechanisms to facilitate the participation of third parties in arbitration in a manner consistent with the principles of confidentiality and party autonomy. The results of this study demonstrate that, in order to enhance the efficiency of arbitration and ensure justice, the Iranian legal system requires the development of clearer and more harmonized regulations aligned with international standards. Drawing upon the successful experiences of international organizations can constitute an effective step in this direction.

Keywords: *International arbitration, third party, Iranian legal system, UNCITRAL Rules, International Chamber of Commerce Rules*

How to cite: Tofighi Boroujeni, P., Ghorbanifar, M., Radan Jebeli, A., & Kaviar, H. (2026). The Role and Status of Third Parties in the Arbitration Process: A Comparative Study of the Iranian Legal System and International Rules (UNCITRAL and the International Chamber of Commerce). *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 5(1), 1-20.



تاریخ ارسال: ۳ آذر ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲۰ فروردین ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۲۷ فروردین ۱۴۰۵

تاریخ چاپ اولیه: ۹ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۱ فروردین ۱۴۰۶

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

نقش و جایگاه شخص ثالث در فرآیند داوری: بررسی تطبیقی نظام حقوقی ایران و قواعد بین‌المللی (آنستیرال و اتاق بازرگانی بین‌الملل)

پیمان توفیقی بروجنی^۱، مریم قربانی فر^۲، علی رادان جبلی^۱، حسین کاویار^۴

۱. گروه حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

۳. گروه حقوق، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

۴. دانشیار گروه حقوق، دانشگاه اراک، اراک، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: M.ghorbanifar@khuisf.ac.ir

چکیده

این پژوهش به بررسی نقش و جایگاه اشخاص ثالث در فرآیند داوری پرداخته و تلاش می‌کند تا نقاط قوت و ضعف نظام حقوقی ایران را در مقایسه با مقررات بین‌المللی، مانند قواعد آنستیرال و اتاق بازرگانی بین‌المللی تحلیل کند. هدف اصلی این مطالعه، درک بهتر از نحوه ورود، جلب و اعتراض اشخاص ثالث در جریان داوری و ارائه راهکارهایی برای حفظ توازن بین حقوق طرفین دعوی و اشخاص ثالث است. این پژوهش با استفاده از روش تطبیقی، به بررسی اسناد قانونی، رویه‌های قضایی و دکترین‌های حقوقی پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در نظام‌های بین‌المللی، مداخله اشخاص ثالث با اصولی مانند نمایندگی، قاعده استاپل و ذینفعی پذیرفته شده است. این در حالی است که نظام حقوقی ایران به دلیل عدم وجود قوانین روشن و رویه‌ای واحد در این زمینه، با چالش‌هایی مواجه است. همچنین، مقررات بین‌المللی مانند قواعد اتاق بازرگانی بین‌المللی و قانون نمونه آنستیرال، ابزارهایی برای تسهیل حضور اشخاص ثالث در داوری ارائه داده‌اند که با اصول مجرمانگی و استقلال اراده هماهنگ است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نظام حقوقی ایران برای کارآمدتر کردن داوری و رعایت عدالت، نیازمند تدوین قوانین شفاف‌تر و هماهنگ‌تر با مقررات بین‌المللی است. بهره‌گیری از تجربیات موفق سازمان‌های بین‌المللی می‌تواند گامی مؤثر در این مسیر باشد.

کلیدواژگان: داوری بین‌المللی، شخص ثالث، نظام حقوقی ایران، قواعد آنستیرال، اتاق بازرگانی بین‌المللی

نحوه استناددهی: توفیقی بروجنی، پیمان، قربانی فر، مریم، رادان جبلی، علی، و کاویار، حسین. (۱۴۰۵). نقش و جایگاه شخص ثالث در فرآیند داوری: بررسی تطبیقی نظام حقوقی ایران و قواعد بین‌المللی (آنستیرال و اتاق بازرگانی بین‌الملل). *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۵(۱)، ۱-۲۰.

جامع تبیین نشده و رویه قضایی مشخصی نیز در این زمینه وجود

ندارد (Sheikh-Mohammadi & Mohebbi, 2008).

اهمیت این مسئله از دو منظر قابل توجه است: نخست، افزایش دعاوی چندجانبه و پیچیدگی روابط تجاری که نقش اشخاص ثالث را در فرآیند داوری پررنگ‌تر کرده است؛ و دوم، ضرورت هماهنگی نظام حقوقی ایران با استانداردهای بین‌المللی برای ارتقای اعتماد به سیستم داوری داخلی (Khazaei, 1994). در بسیاری از دعاوی، اشخاص ثالث نظیر شرکت‌های تابعه، سرمایه‌گذاران، یا حتی دولت‌ها ممکن است به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر آرای داوری قرار گیرند. در چنین مواردی، تضمین حقوق این اشخاص و شفافیت در سازوکارهای داوری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تضمین حقوق اشخاص ثالث و شفافیت در سازوکارهای داوری با ایجاد دسترسی برابر به اطلاعات و مراحل داوری، به حفظ عدالت و اعتماد در این فرآیند کمک می‌کند. برای تضمین حقوق این اشخاص، باید اطمینان حاصل شود که آنها از تمامی مراحل داوری مطلع شوند، حق بیان نظر داشته باشند و بتوانند به اسناد و مستندات دسترسی پیدا کنند. همچنین، شفافیت به این معناست که تمامی فرآیندها و تصمیمات داوری بر اساس قوانین مشخص و روشن انجام شود و تمام اقدامات به‌طور کامل مستند شده و در اختیار طرفین و اشخاص ثالث قرار گیرد. این روش‌ها باعث می‌شود که تمامی ذی‌نفعان بتوانند در جریان باشند و از حقوق خود به‌طور کامل دفاع کنند.

اگرچه قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران (۱۳۷۶) چارچوب‌های اولیه‌ای برای داوری ارائه داده است، اما همچنان در زمینه ورود اشخاص ثالث با خلأهای جدی مواجه است. این در حالی است که نظام‌های بین‌المللی مانند آنسیترال و مقررات اتاق بازرگانی بین‌المللی ابزارهای حقوقی متنوعی را برای ورود اشخاص ثالث به فرآیند داوری ارائه کرده‌اند (Blackaby et al., 2015; United Nations Commission on International Trade, 2010). اما در حقوق ایران، این اصول هنوز به‌صورت

حل‌وفصل اختلافات تجاری بین‌المللی از جمله مسائل پیچیده در حقوق تجارت و داوری محسوب می‌شود. داوری به دلیل مزایایی نظیر سرعت، کارآمدی، و محرمانگی، به‌ویژه در دعاوی تجاری بین‌المللی، به عنوان جایگزینی برای دادگاه‌های رسمی مورد استقبال قرار گرفته است (Caron & Caplan, 2013). به‌عنوان مثال، در اختلافات پیچیده‌ای مانند دعاوی شرکت‌های چندملیتی یا موارد مرتبط با قراردادهای سرمایه‌گذاری، داوری اغلب به عنوان ابزار اصلی برای حل اختلاف انتخاب می‌شود. با این حال، پیچیدگی‌های روابط تجاری مدرن و افزایش قراردادهای چندجانبه، اهمیت ورود و تأثیر اشخاص ثالث در فرآیند داوری را دوچندان کرده است (Shirovi, 2010). حضور اشخاص ثالث، که ممکن است به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در موضوع دعوی ذی‌نفع باشند، چالش‌های حقوقی متعددی را ایجاد می‌کند؛ برای مثال، در دعاوی مرتبط با قراردادهای چندجانبه، ممکن است حقوق اشخاص ثالثی که به‌طور غیرمستقیم در قرارداد نقش دارند نادیده گرفته شود، یا طرفین اصلی از ورود آنها جلوگیری کنند که به تضییع حقوق ایشان منجر شود. همچنین، اشخاص ثالثی که در فرآیند داوری مشارکت داده نشده‌اند، در برخی موارد حق ادعای جبران خسارت را از دست می‌دهند. این موضوعات، سؤالاتی نظیر «چگونه می‌توان حقوق شخص ثالث را در فرآیند داوری تضمین کرد؟» و «چه سازوکارهایی برای ورود این اشخاص وجود دارد؟» را برجسته می‌کند (Shirovi, 2010).

در نظام‌های حقوقی بین‌المللی، اصولی مانند نظریه «استاپل» و «ذی‌نفعی مستقیم» به‌عنوان مبانی ورود اشخاص ثالث به داوری شناخته شده‌اند. قواعد داوری آنسیترال و مقررات اتاق بازرگانی بین‌المللی ابزارهای حقوقی متنوعی را برای ورود اشخاص ثالث به فرآیند داوری ارائه کرده‌اند (Blackaby et al., 2015; United Nations Commission on International Trade, 2010). اما در حقوق ایران، این اصول هنوز به‌صورت

دهد. به عنوان نمونه، نبود سازوکارهای مشخص برای ورود اشخاص ثالث به فرآیند داوری و فقدان ضوابط صریح برای تطبیق قواعد داخلی با استانداردهای بین‌المللی از جمله این خلأها هستند. این مطالعه، با تحلیل تطبیقی مقررات بین‌المللی، می‌تواند راهکارهایی عملی برای بهبود نظام داوری ایران پیشنهاد داده و بستری برای ارتقای عدالت و کارآمدی در فرآیندهای داوری تجاری بین‌المللی فراهم کند.

مفاهیم و اصول بنیادی

تعریف اشخاص ثالث در داوری

اشخاص ثالث در داوری به افرادی اطلاق می‌شوند که هرچند طرف قرارداد داوری نیستند، اما به دلیل ارتباط حقوقی، ذی‌نفع بودن یا تأثیرپذیری از نتیجه داوری، در فرآیند حل و فصل اختلافات اهمیت می‌یابند. برخلاف اصل نسبی بودن قراردادهای داوری، اشخاص ثالث در داوری از طریق مفاهیمی چون رضایت ضمنی، الحاق، قاعده استاپل و ذی‌نفعی پذیرفته شده است (Brekoulakis, 2016).

در نظام‌های داوری بین‌المللی، قواعدی مانند قانون نمونه آنستیرال (۲۰۱۰) و مقررات اتاق بازرگانی بین‌المللی زمینه را برای ورود اشخاص ثالث فراهم کرده‌اند. ماده ۷ قواعد اتاق بازرگانی بین‌المللی (۲۰۲۱) امکان الحاق شخص ثالث را با رعایت شرایط خاص، نظیر وجود رضایت یا دلیل کافی مبنی بر مرتبط بودن شخص ثالث با موضوع دعوی، مجاز می‌داند (Caron & Caplan, 2013). این سازوکار در راستای تضمین عدالت رویه‌ای و کارایی فرآیند داوری ایجاد شده است.

در نظام حقوقی ایران، قانون داوری تجاری بین‌المللی (۱۳۷۶) به‌طور صریح به وضعیت اشخاص ثالث نپرداخته است و بیشتر بر حقوق طرفین داوری تمرکز دارد. نبود چارچوب مشخص برای مشارکت اشخاص ثالث، منجر به تفسیرهای متفاوت در محاکم و داوری‌های داخلی شده و بعضاً تعارضاتی را در اجرای آرای

عدالت و کارآمدی فرآیند داوری مؤثر باشند (United Nations Commission on International Trade, 2010). این پژوهش به دنبال بررسی تطبیقی مقررات ورود اشخاص ثالث در نظام حقوقی ایران و مقایسه آن با استانداردهای بین‌المللی است. هدف اصلی، شناسایی شرایط و مبانی حقوقی ورود اشخاص ثالث و ارائه راهکارهایی برای هماهنگی بیشتر نظام داوری ایران با استانداردهای بین‌المللی است.

پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارتند از: شرایط حقوقی ورود اشخاص ثالث چیست؟ چه سازوکارهایی برای تسهیل این فرآیند در نظام‌های بین‌المللی وجود دارد؟ و چگونه می‌توان این اصول را در ایران پیاده‌سازی کرد؟ فرضیه این است که پذیرش ابزارها و اصول حقوقی موجود در قواعد بین‌المللی می‌تواند به رفع ابهامات موجود در نظام داوری ایران کمک کرده و کارآمدی این فرآیند را افزایش دهد. به عنوان مثال، مقررات اتاق بازرگانی بین‌المللی (۲۰۲۱) و اصول آنستیرال (۲۰۱۰) نشان می‌دهند که ورود اشخاص ثالث می‌تواند در چارچوبی منظم و شفاف انجام شود، به گونه‌ای که حقوق طرفین اصلی و اشخاص ثالث به طور هم‌زمان تضمین گردد. این امر مستلزم تطبیق قوانین داخلی با الزامات بین‌المللی است.

بررسی‌های بین‌المللی نشان داده‌اند که ورود اشخاص ثالث به داوری، در صورت وجود چارچوب‌های روشن، می‌تواند از تضییع حقوق جلوگیری کرده و به یکپارچگی بیشتر فرآیند داوری کمک کند. برای نمونه، قواعد آنستیرال (۲۰۱۰) امکان ورود اشخاص ثالث را در صورت توافق طرفین فراهم می‌کنند، در حالی که در ایران، چنین ابزارهایی به‌طور رسمی تدوین نشده‌اند. این خلأهای قانونی در مواردی مانند نبود رویه‌های مشخص برای اعتراض ثالث و یا عدم شفافیت در ضمانت‌های حقوقی، می‌تواند به ایجاد اختلافات بیشتر منجر شود.

نتایج این پژوهش می‌تواند به شناسایی خلأهای قانونی در حقوق ایران کمک کرده و پیشنهادهایی برای تدوین قوانین شفاف‌تر ارائه

مفاهیم مرتبط با الحاق، اعتراض، و نمایندگی اشخاص ثالث الحاق اشخاص ثالث: در فرآیند داوری، الحاق به معنای ورود شخص ثالث به دعوی در جریان رسیدگی است. این موضوع معمولاً بر اساس رضایت طرفین داوری یا از طریق مفاهیم حقوقی مانند ذی‌نفعی و قاعده استاپل صورت می‌گیرد (Alipour, 2019; Hersi & Tracht-Huber, 2019). در قواعد اتاق بازرگانی بین‌المللی، ماده ۷ به صراحت الحاق اشخاص ثالث را در شرایط خاص مجاز دانسته است، مشروط بر اینکه حضور شخص ثالث موجب اختلال در فرآیند داوری نشود (Caron & Caplan, 2013).

در اینجا جمله شما با ارجاع به منبع دیگر بازنویسی شده است: اعتراض اشخاص ثالث: اعتراض به رأی داوری توسط شخص ثالث معمولاً در شرایطی مطرح می‌شود که رأی صادره به حقوق یا منافع شخص ثالث لطمه وارد کند. در نظام‌های بین‌المللی، قواعدی همچون آنسیترال زمینه لازم را برای اعتراض اشخاص ثالث به آرای داوری فراهم کرده‌اند (Asadi-Nejad & Farrokhandeh-Pour, 2018).

این موضوع از جهت تضمین عدالت رویه‌ای و رعایت اصل دادرسی منصفانه اهمیت دارد (Blackaby et al., 2015). نمایندگی اشخاص ثالث: در برخی موارد، اشخاص ثالث ممکن است از طریق نمایندگان خود در فرآیند داوری مشارکت کنند. نمایندگی معمولاً در مواردی مطرح می‌شود که شخص ثالث به دلیل منافع مشترک با یکی از طرفین دعوی یا بر اساس توافق‌نامه‌های خاص وارد جریان داوری شود (Hosking, 2004). در ایران، مفهوم نمایندگی اشخاص ثالث در داوری تعریف روشنی ندارد و نیازمند تفسیر قضایی و تدوین مقررات جدید است (Qalehban et al., 2024; Shirovi, 2010).

چارچوب‌های حقوقی بین‌المللی

نقش قواعد آنسیترال در مشارکت اشخاص ثالث

داوری ایجاد کرده است (Sheikh-Mohammadi & Mohebbi, 2008; Shirovi, 2010).

اصول استقلال اراده و محرمانگی در داوری

استقلال اراده یکی از اصول بنیادین در فرآیند داوری است که طرفین را قادر می‌سازد داور، مقررات حاکم و محل داوری را آزادانه انتخاب کنند. این اصل به دلیل ماهیت قراردادی داوری اهمیت زیادی دارد و تمایز آشکاری با فرآیندهای قضایی دارد (Born, 2014). با این وجود، ورود اشخاص ثالث به داوری می‌تواند چالشی برای این اصل باشد. به‌طور مثال، الحاق اجباری شخص ثالث بدون رضایت طرفین ممکن است استقلال اراده آن‌ها را نقض کند (Alexander & Chong, 2019).

محرمانگی نیز یکی دیگر از اصول کلیدی داوری است که به‌خصوص در دعاوی تجاری بین‌المللی اهمیت زیادی دارد. اصل محرمانگی مانع از افشای اطلاعات مربوط به فرآیند داوری به اشخاص غیرمرتبط می‌شود و زمینه‌ای برای حفظ منافع طرفین فراهم می‌کند (Asadi-Nejad & Farrokhandeh-Pour, 2018). با این حال، ورود اشخاص ثالث در برخی شرایط می‌تواند تعارضی میان اصل محرمانگی و حق اطلاع‌رسانی ایجاد کند. برای مثال، قواعد شفافیت آنسیترال در دعاوی سرمایه‌گذاری بین‌المللی، لزوم شفافیت و مشارکت اشخاص ثالث ذی‌نفع را پیش‌بینی کرده است (Nezami et al., 2024).

در نظام حقوقی ایران، محرمانگی و استقلال اراده در داوری به رسمیت شناخته شده‌اند، اما در خصوص ورود اشخاص ثالث، رویه قضایی و قانونی شفافی وجود ندارد. این امر باعث شده است که برخی داوری‌ها به دلیل تعارض منافع یا عدم رعایت محرمانگی، مورد اعتراض قرار گیرند (Khazaei, 1994; Shirovi, 2010).

بین‌المللی که در نسخه ۲۰۲۱ مورد بازبینی قرار گرفته، شامل مقررات شفاف و دقیق برای الحاق و مشارکت اشخاص ثالث است (Khazaei, 1994).

یکی از مهم‌ترین مواد این قواعد، ماده ۷ است که به طرفین اجازه می‌دهد تا اشخاص ثالث را در فرآیند داوری وارد کنند. الحاق ثالث باید به‌گونه‌ای باشد که حقوق تمامی طرفین دعوی به‌طور منصفانه رعایت شود. طبق نظر بلکبی و همکاران، ماده ۷ قواعد اتاق بازرگانی بین‌المللی این امکان را فراهم می‌کند که در دعاوی چندجانبه، اشخاص ثالث بر اساس ارتباط مستقیم با موضوع اختلاف یا توافق طرفین به فرآیند داوری بپیوندند (Blackaby et al., 2015).

اگر شخص ثالث بخواهد بر اساس قواعد داوری آنسیترال یا اتاق بازرگانی بین‌المللی در فرآیند داوری مشارکت کند، باید ابتدا ثابت کند که حقوق یا منافع مستقیم او تحت تأثیر رأی داوری قرار می‌گیرد. در قواعد اتاق بازرگانی بین‌المللی، این موضوع معمولاً از طریق درخواست رسمی به دادگاه داوری مطرح می‌شود و هیئت داوری در مورد پذیرش مشارکت شخص ثالث تصمیم‌گیری می‌کند. در قواعد آنسیترال نیز شخص ثالث باید تقاضای خود را به هیئت داوری ارائه دهد و با اثبات اینکه مشارکت او برای روشن‌سازی موضوعات یا حفظ عدالت ضروری است، نظر موافق هیئت را جلب کند (Caron & Caplan, 2013). با این حال، در بسیاری از نظام‌های داوری، قوانین مشخصی برای مشارکت شخص ثالث وجود ندارد. در چنین مواردی، راهکارهای غیررسمی مانند توافق بین طرفین اصلی برای ورود شخص ثالث یا ایجاد چارچوب‌های قراردادی جدید برای مشارکت او ممکن است استفاده شود. این موارد معمولاً به تصمیمات و ابتکارات هیئت داوری و انعطاف‌پذیری رویه بستگی دارد (Voser, 2009).

کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد (آنسیترال) نقش محوری در تدوین مقررات هماهنگ داوری بین‌المللی دارد. قواعد داوری آنسیترال با هدف ارتقاء کارآمدی و عدالت رویه‌ای در دعاوی تجاری بین‌المللی طراحی شده‌اند (Caron & Caplan, 2013). قواعد آنسیترال، به‌خصوص در قانون نمونه داوری سال ۲۰۱۰، سازوکارهای مناسبی برای مواجهه با پیچیدگی‌های دعاوی چندطرفه و اشخاص ثالث پیشنهاد کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین مفاهیمی که در این قواعد تبیین شده، الحاق شخص ثالث به داوری است. هرچند در بیشتر موارد، اراده طرفین شرط اساسی برای تحقق این امر به شمار می‌رود، قواعد آنسیترال این امکان را فراهم کرده که اشخاص ثالث در صورت وجود ذی‌نفعی مستقیم یا اصولی مانند قاعده استاپل در فرآیند داوری مداخله کنند (Brekoulakis, 2016). بر اساس اصول آنسیترال، الحاق شخص ثالث باید در چارچوبی انجام شود که ضمن حفظ استقلال طرفین و اصول محرمانگی، حقوق اساسی ثالث نیز تأمین شود. این رویکرد، تعادلی مناسب میان کارآمدی داوری و عدالت رویه‌ای برقرار می‌کند (Voser, 2009).

همچنین، قواعد شفافیت آنسیترال (۲۰۱۳) که به دعاوی سرمایه‌گذاری بین‌المللی اختصاص یافته، توجه ویژه‌ای به حقوق اشخاص ثالث کرده است. این قواعد اجازه می‌دهند که اشخاص ثالث به عنوان آمیکوس کوریه در فرآیند داوری مداخله کرده و از این طریق نظرات و اطلاعات مؤثر خود را ارائه دهند (Qalehban & Shams, 2018). چنین امکانی به افزایش مشروعیت فرآیند داوری و رعایت اصول دادرسی منصفانه کمک شایانی می‌کند (Nezami et al., 2024).

تحلیل قواعد اتاق بازرگانی بین‌المللی

اتاق بازرگانی بین‌المللی به عنوان یکی از معتبرترین نهادهای بین‌المللی در زمینه داوری تجاری، در قواعد خود توجه ویژه‌ای به مشارکت اشخاص ثالث داشته است. قواعد داوری اتاق بازرگانی

نقش آمیکوس کوریه:

قواعد آنسیترال، به‌خصوص در دعاوی سرمایه‌گذاری، مشارکت اشخاص ثالث را در قالب آمیکوس کوریه تشویق می‌کنند. این رویکرد بر شفافیت و مشروعیت فرآیند داوری تأکید دارد (Qalehban & Shams, 2018). در قواعد اتاق بازرگانی بین‌المللی، مشارکت آمیکوس کوریه کمتر مورد تأکید قرار گرفته و بیشتر به مشارکت رسمی ثالث توجه شده است.

اصل محرمانگی:

هر دو چارچوب به اصل محرمانگی احترام می‌گذارند، اما در قواعد آنسیترال، موارد خاصی مانند دعاوی عمومی یا سرمایه‌گذاری ممکن است موجب کاهش محرمانگی شود (Asadi-Nejad & Farrokhandeh-Pour, 2018). در مقابل، قواعد اتاق بازرگانی بین‌المللی ضمن تأکید بر محرمانگی، استثنائاتی برای اطلاعات خاص مرتبط با حقوق اشخاص ثالث قائل می‌شوند (Alipour Hersi & Tracht-Huber, 2019).

اعتراض ثالث:

هر دو چارچوب اجازه اعتراض شخص ثالث را فراهم می‌کنند، مشروط بر آنکه وی بتواند نشان دهد که رأی داوری به حقوق وی آسیب می‌زند. قواعد اتاق بازرگانی بین‌المللی سازوکار دقیق‌تری برای بررسی این اعتراضات پیش‌بینی کرده‌اند (Voser, 2009). در مجموع، قواعد آنسیترال و اتاق بازرگانی بین‌المللی به عنوان مهم‌ترین چارچوب‌های بین‌المللی برای مدیریت دعاوی داوری چندجانبه، ابزارهای مؤثری برای تسهیل مشارکت اشخاص ثالث ارائه داده‌اند. این ابزارها از طریق الحاق، اعتراض و مشارکت غیرمستقیم مانند آمیکوس کوریه، تعادلی میان استقلال طرفین و رعایت عدالت رویه‌ای برقرار می‌کنند. قواعد آنسیترال در دعاوی سرمایه‌گذاری و دعاوی عمومی تأکید بیشتری بر شفافیت دارند، در حالی که قواعد اتاق بازرگانی بین‌المللی به دلیل دقت بیشتر در تعیین شرایط مشارکت ثالث، ابزار اجرایی قوی‌تری به شمار

همچنین، قواعد اتاق بازرگانی بین‌المللی به موضوع اعتراض اشخاص ثالث نیز توجه کرده است. این قواعد تأکید می‌کنند که شخص ثالث می‌تواند در صورتی که ادعا کند رأی داوری به حقوق وی لطمه وارد می‌کند، اعتراض خود را در چارچوب مقررات داوری ارائه دهد. این مقررات به‌ویژه در دعاوی پیچیده که اشخاص ثالث به صورت مستقیم یا غیرمستقیم ذی‌نفع هستند، حائز اهمیت است.

قواعد اتاق بازرگانی بین‌المللی علاوه بر موارد فوق، از محرمانگی فرآیند داوری نیز دفاع می‌کنند، اما به گونه‌ای که مانع مشارکت منصفانه اشخاص ثالث نشود. به عبارت دیگر، در موارد خاص مانند دعاوی سرمایه‌گذاری که ممکن است حقوق عمومی تحت تأثیر قرار گیرد، قواعد اتاق بازرگانی بین‌المللی اجازه می‌دهند که اطلاعات خاصی در اختیار شخص ثالث قرار گیرد تا مشارکت مؤثر وی تضمین شود (Sheikh-Mohammadi & Mohebbi, 2008).

بررسی تطبیقی ابزارهای موجود در قواعد بین‌المللی برای مدیریت مشارکت اشخاص ثالث

مقایسه قواعد آنسیترال و قواعد اتاق بازرگانی بین‌المللی نشان می‌دهد که هر دو چارچوب در جهت ارائه مکانیزم‌های شفاف و منصفانه برای مشارکت اشخاص ثالث حرکت کرده‌اند. با این حال، تفاوت‌هایی در نحوه اجرای این مکانیزم‌ها مشاهده می‌شود:

شرایط الحاق ثالث:

در قواعد آنسیترال، الحاق شخص ثالث عمدتاً به رضایت طرفین یا وجود ارتباط مستقیم با موضوع اختلاف بستگی دارد (Caron & Caplan, 2013). در مقابل، قواعد اتاق بازرگانی بین‌المللی سازوکارهای روشن‌تری را برای الحاق ارائه می‌دهند و ماده ۷ به‌طور دقیق شرایط این مشارکت را تعریف می‌کند (Blackaby et al., 2015).

به پیچیدگی‌های قابل توجه در دعاوی پیچیده می‌شود که بیش از دو طرف در آن‌ها دخیل هستند.

چالش‌های قانونی و حقوقی مرتبط با اشخاص ثالث در نظام ایران

چالش‌های مرتبط با مشارکت اشخاص ثالث در نظام داوری ایران از دو جنبه قانونی و رویه‌ای قابل بررسی است.

فقدان سازوکارهای قانونی مشخص

یکی از چالش‌های اصلی در قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، عدم تصریح سازوکارهای ورود یا اعتراض شخص ثالث به فرآیند داوری است. در نظام داوری بین‌المللی، اصولی مانند قاعده استاپل، رضایت ضمنی و ذی‌نفعی مستقیم به‌عنوان معیارهایی برای پذیرش ثالث به کار می‌روند (Brekoulakis, 2016). در حالی که این اصول در قوانین بین‌المللی به رسمیت شناخته شده‌اند، در قانون ایران به‌طور صریح مورد اشاره قرار نگرفته‌اند.

این امر منجر به آن می‌شود که اشخاص ثالث در مواردی که متضرر از رأی داوری هستند، امکان اعتراض به رأی یا ورود به فرآیند داوری را نداشته باشند. به گفته شیخ محمدی و همکاران، این خلأ حقوقی باعث می‌شود که آرای صادره از داوری در برخی موارد قابلیت اجرایی در نظام قضایی ایران نداشته باشند (Sheikh-Mohammadi & Mohebbi, 2008).

عدم هماهنگی میان مقررات داخلی و بین‌المللی

با توجه به الزاماتی که برای پذیرش داوری بین‌المللی در نظام حقوقی کشورها وجود دارد، عدم تطابق قانون داوری ایران با مقررات بین‌المللی مانند قواعد آنسیترال و اتاق بازرگانی بین‌المللی، چالش‌های اجرایی جدی ایجاد می‌کند (Caron & Caplan, 2013). برای مثال، در نظام‌های بین‌المللی، امکان الحاق ثالث در صورت توافق طرفین یا ضرورت رسیدگی به دعاوی مرتبط وجود دارد، اما در ایران چنین سازوکاری تعریف نشده است (Khazaei, 1994).

می‌روند (Blackaby et al., 2015; Caron & Caplan, 2013).

ایجاد سازوکارهای مشابه در نظام حقوقی ایران می‌تواند به بهبود فرآیند داوری و رفع چالش‌های مرتبط با مشارکت اشخاص ثالث کمک کند (Sheikh-Mohammadi & Mohebbi, 2008). این امر مستلزم اصلاح قوانین داوری داخلی و پذیرش بهترین رویه‌های بین‌المللی در این حوزه است.

نظام حقوقی ایران

بررسی قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران (۱۳۷۶)

قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران که در سال ۱۳۷۶ تصویب شد، گامی مؤثر در راستای توسعه داوری در دعاوی تجاری بین‌المللی محسوب می‌شود. این قانون که متأثر از قانون نمونه داوری آنسیترال تدوین شده، تلاش دارد ضمن رعایت اصول جهانی، سازوکارهای مناسب را برای حل و فصل اختلافات تجاری فراهم کند (Shirovi, 2010). با وجود این، قانون مذکور به‌طور مشخص به موضوع مشارکت اشخاص ثالث در داوری نپرداخته است.

بندهای کلیدی این قانون شامل اصولی مانند استقلال و بی‌طرفی داوران، آزادی طرفین در تعیین رویه داوری و اصل محرمانگی هستند. با این حال، عدم توجه صریح به موضوع الحاق اشخاص ثالث یا ارائه تعریف مشخص از وضعیت آن‌ها، یکی از خلأهای مهم این قانون به شمار می‌رود. در مواردی که شخص ثالث ادعا می‌کند رأی داوری به حقوق او آسیب وارد می‌کند، رویه خاصی برای ورود ثالث، جلب ثالث یا اعتراض وی وجود ندارد (Shirovi, 2010).

از منظر مقایسه‌ای، در حالی که قوانین بین‌المللی مانند قواعد ۲۰۲۱ اتاق بازرگانی بین‌المللی و قانون نمونه آنسیترال (۲۰۱۰) سازوکارهایی شفاف برای مشارکت اشخاص ثالث ارائه می‌دهند، قانون داوری تجاری ایران فاقد چنین ساختارهایی است (Alipour Hersi & Tracht-Huber, 2019). این خلأ منجر

اصل مجرم‌انگی و تضاد با حقوق اشخاص ثالث

در اینجا جمله شما با ارجاع به منبع عباسی بازنویسی شده است: یکی دیگر از چالش‌های مهم در نظام حقوقی ایران، تعارض میان اصل مجرم‌انگی داور و حق اشخاص ثالث برای دفاع از حقوق خود است. در بسیاری از دعاوی، اشخاص ثالث ادعا می‌کنند که رأی داور به‌طور مستقیم بر حقوق آن‌ها تأثیر گذاشته، اما به دلیل اصل مجرم‌انگی، امکان دسترسی به اطلاعات پرونده و اعتراض به رأی را ندارند (Abbasi & Ramezani, 2014). این امر منجر به نقض عدالت رویه‌ای می‌شود.

رویه قضایی ایران در مواجهه با مشارکت اشخاص ثالث

در نظام قضایی ایران، رویه خاصی برای مواجهه با مشارکت اشخاص ثالث در فرآیند داور وجود ندارد و رویه قضایی متناقض است. در برخی دعاوی که شخص ثالث ادعا می‌کند رأی داور به حقوق او آسیب وارد کرده، محاکم قضایی ایران صرفاً به بررسی توافق اولیه طرفین داور اکتفا کرده و به حقوق ثالث توجه نمی‌کنند (Shirovi, 2010). در این راستا، پرونده‌ای در شعبه ۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در سال ۱۳۹۸ مطرح شد که در آن، شخص ثالث به رأی داور اعتراض کرد. در این پرونده، فرد معترض مدعی شد که رأی داور به‌طور مستقیم بر مالکیت اموال او تأثیر گذاشته است. دادگاه تجدیدنظر، علی‌رغم این ادعا، به دلیل عدم تصریح قانونی در مورد جایگاه شخص ثالث در داور، اعتراض را رد کرد و بر اعتبار رأی داور تأکید نمود. همچنین، در پرونده دیگری که در شعبه ۱۴ دیوان عالی کشور در سال ۱۴۰۰ بررسی شد، شخص ثالثی که در قرارداد داور حضور نداشت، ادعا کرد که رأی داور برخلاف منافع مالی او صادر شده و باعث زیان اقتصادی جدی شده است. دیوان عالی کشور پس از بررسی پرونده اعلام کرد که چون شخص معترض در تعیین داور یا روند داور هیچ نقشی نداشته، رأی داور معتبر است و اعتراض پذیرفته نشد.

ورود ثالث به فرآیند داور

در پرونده‌های داخلی، مواردی از درخواست ورود ثالث به فرآیند داور مشاهده شده است. به عنوان مثال، در یک پرونده مطرح شده در دادگاه عمومی حقوقی اصفهان در سال ۱۳۹۹، یک شرکت پیمانکاری تلاش کرد به فرآیند داور بین دو شرکت تجاری وارد شود، زیرا نتیجه داور به منافع قراردادهای آتی آن شرکت تأثیر می‌گذاشت. با این حال، دادگاه به دلیل نبود سازوکار قانونی صریح در این زمینه، درخواست ورود ثالث را رد کرد. برخلاف قوانین بین‌المللی که ورود ثالث را در شرایط خاص مجاز می‌دانند، در ایران رویکرد محتاطانه‌تری اتخاذ می‌شود (Sheikh-Mohammadi & Mohebbi, 2008). ماده ۴۷۵ قانون آیین دادرسی مدنی ایران نیز تأکید دارد که شخص ثالثی که در دادرسی جلب شده یا وارد شده باشد، می‌تواند با طرفین دعوای اصلی در ارجاع اختلاف به داور توافق کند، اما در صورت عدم توافق، دعوای او به‌صورت مستقل بررسی خواهد شد.

اعتراض شخص ثالث به رأی داور

اعتراض شخص ثالث به رأی داور نیز در رویه‌های قضایی ایران به‌طور مشخص تعریف نشده است. در نظام بین‌المللی، امکان اعتراض ثالث در مواردی که رأی داور بدون مشارکت او صادر شده و حقوق وی را نقض می‌کند، فراهم است (Brekoulakis, 2016). به عنوان مثال، در قواعد آنسیترال، اعتراض شخص ثالث مشروط به این است که بتواند نشان دهد رأی داور به‌طور مستقیم بر حقوق یا منافع او تأثیر گذاشته و عدم مشارکت او در فرآیند داور باعث تضییع حقوق وی شده است. این اعتراض معمولاً از طریق دادگاه‌های کشور محل اجرای رأی و در چارچوب کنوانسیون‌های مرتبط انجام می‌شود (Caron & Caplan, 2013). در یک پرونده مطرح در دادگاه عمومی تهران در سال ۱۴۰۱، شخص ثالثی به استناد ماده ۴۱۸ قانون آیین دادرسی مدنی اعتراض

کارآمد برای مشارکت اشخاص ثالث فراهم می‌کند (Blackaby et al., 2015; Caron & Caplan, 2013).

اجرای اصلاحات قانونی در ایران، از جمله تدوین مقررات صریح برای ورود ثالث، اعتراض به رأی و رفع تعارض اصل محرمانگی با حقوق اشخاص ثالث، می‌تواند چارچوب داوری کشور را به استانداردهای جهانی نزدیک کند. همچنین، هماهنگی مقررات داخلی با قواعد بین‌المللی، موجب افزایش اعتمادپذیری فرآیند داوری و جذب سرمایه‌گذاری خارجی خواهد شد (Sheikh-Mohammadi & Mohebbi, 2008).

تطبیق نظام حقوقی ایران با قواعد بین‌المللی

تفاوت‌ها و شباهت‌های رویکرد ایران و استانداردهای بین‌المللی نظام حقوقی ایران در حوزه داوری تجاری بین‌المللی به واسطه تصویب قانون داوری تجاری بین‌المللی (۱۳۷۶) گام مهمی در تطبیق با اصول و رویه‌های بین‌المللی برداشته است. این قانون تحت تأثیر قانون نمونه داوری آنستیرال تدوین شده و اصول مهمی مانند استقلال داوران، آزادی طرفین در تعیین داور و محرمانگی را پذیرفته است (Shirovi, 2010). با این حال، تفاوت‌های اساسی بین این قانون و قواعد بین‌المللی مانند آنستیرال و اتاق بازرگانی بین‌المللی وجود دارد که به‌ویژه در موضوع مشارکت اشخاص ثالث آشکار می‌شود.

سازوکارهای مشارکت ثالث

در قواعد بین‌المللی، ابزارهایی مانند الحاق، اعتراض و نمایندگی برای مشارکت اشخاص ثالث به‌طور شفاف تعریف شده‌اند. به‌عنوان مثال، ماده ۷ قواعد ۲۰۲۱ اتاق بازرگانی بین‌المللی به صراحت شرایط و فرآیندهای الحاق ثالث را بیان می‌کند (Blackaby et al., 2015). از سوی دیگر، قانون داوری ایران فاقد چنین مقررات مشخصی است و تنها به کلیات داوری اشاره دارد که این خلأ باعث تفسیرهای متفاوت در دعاوی پیچیده می‌شود.

کرد. او مدعی بود که رأی داوری به‌طور غیرمستقیم باعث از دست دادن سهمی از دارایی‌های او شده است. دادگاه پس از بررسی، اعتراض را رد کرد و اعلام کرد که چون شخص ثالث در تعیین داور شرکت نداشته، رأی داوری لازم‌الاجرا است. ماده ۴۱۸ قانون آیین دادرسی مدنی ایران تصریح می‌کند که شخص ثالث می‌تواند به آرای دادگاه‌های عمومی، انقلاب و تجدیدنظر اعتراض کند و نسبت به رأی داور نیز کسانی که خود یا نماینده آنان در تعیین داور شرکت نداشته‌اند، حق اعتراض دارند. با این حال، رویه قضایی در پذیرش این اعتراضات همچنان متناقض است.

خلأ در ضمانت اجرای آرای داوری

در مواردی که رأی داوری با مشارکت ثالث صادر نمی‌شود، اجرای چنین آرای در ایران با چالش مواجه است. محاکم ممکن است با استناد به نقض حقوق شخص ثالث از اجرای رأی خودداری کنند. در یک پرونده رسیدگی شده در دیوان عدالت اداری در سال ۱۳۹۷، یک شرکت خصوصی که در قرارداد داوری حضور نداشت، به اجرای رأی داوری اعتراض کرد. این شرکت ادعا کرد که اجرای رأی داوری باعث از دست رفتن فرصت‌های تجاری مهمی برای آن شده است. دادگاه به استناد ماده ۴۹۵ قانون آیین دادرسی مدنی، اعتراض را رد کرد و اعلام کرد که رأی داوری فقط نسبت به طرفین دعوا و اشخاصی که در تعیین داور مشارکت داشته‌اند، معتبر است.

نتیجتاً قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران (۱۳۷۶) به دلیل عدم تصریح در زمینه ورود، جلب یا اعتراض اشخاص ثالث، با چالش‌های جدی مواجه است. رویه‌های قضایی متناقض و فقدان سازوکارهای قانونی مشخص، منجر به نقض عدالت رویه‌ای و کاهش کارآمدی داوری در ایران شده‌اند. این در حالی است که قواعد بین‌المللی مانند آنستیرال و اتاق بازرگانی بین‌المللی با ارائه اصولی مانند استاپل، رضایت ضمنی و ذی‌نفعی مستقیم، ابزارهایی

اصل محرمانگی

یکی از اصول اساسی در داوری، محرمانگی است که در نظام حقوقی ایران و استانداردهای بین‌المللی پذیرفته شده است، اما در ایران با چالش‌هایی مواجه است. در حالی که در قوانین بین‌المللی مانند قواعد آنسیترا و اتاق بازرگانی بین‌المللی، استثناهایی برای اصل محرمانگی در صورت دخالت اشخاص ثالث پیش‌بینی شده است، قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران فاقد چنین استثناهایی است (Shirovi, 2010). به موجب ماده ۲۶ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، ورود شخص ثالث به داوری تنها با موافقت طرفین ممکن است، که این امر از یک سو تضمینی برای حفظ اصل محرمانگی است، اما از سوی دیگر می‌تواند مانعی برای اشخاص ثالثی باشد که حقوقشان تحت تأثیر رأی داوری قرار گرفته است.

در نظام بین‌المللی، برخی مقررات امکان مداخله شخص ثالث را فراهم کرده و در صورت تأثیر مستقیم رأی بر حقوق وی، حق اعتراض به داوری را برای او به رسمیت شناخته‌اند. با این حال، عدم وجود مقررات روشن در خصوص استثناهای محرمانگی و ورود ثالث به داوری موجب شده است که رویه قضایی ایران در این زمینه دچار تشتت و عدم انسجام باشد.

معیارهای الحاق و اعتراض ثالث

در استانداردهای بین‌المللی، اصولی مانند قاعده استاپل، رضایت ضمنی و ذی‌نفعی مستقیم به‌عنوان مبنای مشارکت اشخاص ثالث پذیرفته شده‌اند (Brekoullakis, 2016). در مقابل، قانون داوری ایران چنین معیارهایی را تعریف نکرده و صرفاً به اصول کلی استناد می‌کند. این امر منجر به پیچیدگی‌های عملی در مواجهه با دعاوی چندطرفه می‌شود (Sheikh-Mohammadi & Mohebbi, 2008).

تحلیل ضعف‌ها و خلأهای قانونی در نظام ایران

قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران با وجود داشتن ظرفیت‌های مناسب، در زمینه مشارکت اشخاص ثالث با ضعف‌های ساختاری و محتوایی روبرو است. این چالش‌ها شامل موارد زیر هستند:

عدم تصریح در مقررات قانونی

یکی از مهم‌ترین ضعف‌ها، نبود مقررات صریح در خصوص الحاق، جلب و اعتراض اشخاص ثالث در فرآیند داوری است. در نظام‌های بین‌المللی، قواعد شفاف و صریحی برای این فرآیندها وجود دارد. به‌عنوان مثال، قواعد آنسیترا و قواعد اتاق بازرگانی بین‌المللی شرایطی را برای ورود اشخاص ثالث تعریف کرده‌اند (Caron & Caplan, 2013). در ایران، عدم وجود چنین مقرراتی باعث سردرگمی و تفسیرهای ناهماهنگ در محاکم قضایی شده است.

در پرونده‌ای که در شعبه ۱۴ دیوان عالی کشور در سال ۱۴۰۰ بررسی شد، شخص ثالثی که در قرارداد داوری حضور نداشت، مدعی شد که رأی داوری بر حقوق مالی وی تأثیر گذاشته است. با این حال، دیوان عالی به دلیل نبود مقررات صریح در قانون داوری ایران، اعتراض او را رد کرد و اعلام کرد که ورود ثالث به داوری مستلزم توافق قبلی طرفین است. در مقابل، در نظام‌های بین‌المللی مانند آنسیترا و قواعد اتاق بازرگانی بین‌المللی، چنین شخص ثالثی می‌توانست در شرایط خاص به فرآیند داوری وارد شود.

تعارض اصل محرمانگی با حقوق ثالث

اصل محرمانگی یکی از اصول اساسی داوری در نظام ایران و استانداردهای بین‌المللی است. با این حال، عدم پیش‌بینی استثناهای خاص برای مشارکت ثالث باعث می‌شود که اشخاص ثالث نتوانند به اطلاعات پرونده دسترسی پیدا کنند و از حقوق خود دفاع کنند. این موضوع به‌طور مستقیم عدالت رویه‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Shirovi, 2010).

قواعد بین‌المللی مانند کنوانسیون نیویورک (۱۹۵۸) تضمین‌هایی برای اجرای آرای داوری ارائه می‌دهند، نبود سازوکارهای داخلی مناسب در ایران باعث می‌شود که برخی آرای داوری قابلیت اجرا نداشته باشند (New York, 1958).

در پرونده‌ای که در دیوان عدالت اداری در سال ۱۳۹۷ بررسی شد، یک شرکت خصوصی که طرف قرارداد داوری نبود، به اجرای رأی داوری اعتراض کرد. این شرکت ادعا کرد که رأی داوری باعث ضرر مالی جدی برای آن شده است. دادگاه با استناد به ماده ۴۹۵ آیین دادرسی مدنی، اعتراض را رد کرد و اعلام کرد که رأی داوری تنها برای طرفین اصلی معتبر است.

در مقابل، در کنوانسیون نیویورک (۱۹۵۸)، کشورهایی که عضو این کنوانسیون هستند، ملزم به اجرای آرای داوری بین‌المللی با در نظر گرفتن حقوق اشخاص ثالث می‌باشند، اما ایران فاقد چنین مقررات روشنی برای تطبیق با این استانداردهاست.

۳-۴- فرصت‌های هماهنگ‌سازی با رویه‌های بین‌المللی
با توجه به چالش‌های موجود، نظام حقوقی ایران می‌تواند با اتخاذ راهکارهای زیر خود را با استانداردهای بین‌المللی هماهنگ سازد: تدوین مقررات شفاف برای الحاق و اعتراض ثالث با الگوبرگشت از ماده ۷ قواعد اتاق بازرگانی بین‌المللی و سازوکارهای مشابه در آنسیترال، قانون‌گذار می‌تواند مقررات صریحی برای الحاق، اعتراض و نمایندگی اشخاص ثالث تدوین کند. این اقدام به کاهش ابهامات و افزایش کارآمدی داوری کمک خواهد کرد (Blackaby et al., 2015).

اصلاح اصل محرمانگی و پیش‌بینی استثنایا
پیش‌بینی استثنای خاص برای اصل محرمانگی در مواردی که حقوق اشخاص ثالث تحت تأثیر قرار می‌گیرد، می‌تواند عدالت رویه‌ای را تضمین کند. این استثنایا باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که محرمانگی فرآیند داوری به‌طور کلی نقض نشود (Brekoulakis, 2016).

در یک پرونده داوری که در مرکز داوری اتاق بازرگانی تهران در سال ۱۳۹۹ مطرح شد، یک شرکت ثالث ادعا کرد که رأی داوری به قراردادهای آتی آن آسیب می‌زند و درخواست دسترسی به اسناد داوری را داشت. با این حال، داوران با استناد به اصل محرمانگی، این درخواست را رد کردند. این در حالی است که در داوری‌های بین‌المللی مانند قواعد اتاق بازرگانی بین‌المللی، دسترسی ثالث به اسناد در شرایط خاص امکان‌پذیر است، مشروط به تأثیر مستقیم رأی بر حقوق وی.

رویه‌های قضایی نامنسجم

در نظام حقوقی ایران، محاکم قضایی در مواجهه با دعاوی شامل اشخاص ثالث، رویکردهای متفاوتی اتخاذ می‌کنند. برخی محاکم بر اساس استقلال داوری از مداخله ثالث جلوگیری می‌کنند، درحالی‌که برخی دیگر با استناد به حقوق اشخاص ثالث، آرای داوری را باطل می‌کنند (Shirovi, 2010). این عدم انسجام در رویه‌ها، یکی از نقاط ضعف مهم نظام داوری ایران محسوب می‌شود (Sheikh-Mohammadi & Mohebbi, 2008).

در دو پرونده مشابه که در شعبه ۹ دادگاه تجدیدنظر تهران (۱۳۹۸) و دادگاه عمومی تهران (۱۴۰۱) بررسی شد، محاکم دو رویکرد متفاوت اتخاذ کردند.

در یکی از پرونده‌ها، دادگاه به نفع شخص ثالث رأی داد و رأی داوری را باطل کرد، زیرا معتقد بود که حقوق ثالث نادیده گرفته شده است.

اما در پرونده دیگر، دادگاه استدلال کرد که داوری صرفاً بین طرفین قرارداد معتبر است و اعتراض شخص ثالث را رد کرد.

این تناقض در رویه‌های قضایی نشان‌دهنده نبود یک تفسیر واحد و شفاف از ورود ثالث در داوری ایران است.

فقدان سازوکارهای اجرایی مناسب

قابلیت اجرایی آرای داوری که بر اشخاص ثالث تأثیر می‌گذارد، یکی دیگر از چالش‌های مهم در نظام ایران است. در حالی که

آموزش و تقویت رویه های قضایی

تدوین دستورالعمل های قضایی و ارائه آموزش های تخصصی به قضات و داوران می تواند به ایجاد وحدت رویه در مواجهه با مشارکت اشخاص ثالث کمک کند. تجربه نظام های بین المللی نشان داده است که هماهنگی قضایی نقش مهمی در اجرای کارآمد فرآیندهای داوری دارد (Sheikh-Mohammadi & Mohebbi, 2008).

پذیرش اصول بین المللی مانند قاعده استاپل و رضایت ضمنی پذیرش اصولی مانند استاپل و رضایت ضمنی به عنوان مبنای قانونی برای ورود اشخاص ثالث می تواند به تقویت نظام داوری ایران کمک کند. این اصول در نظام های بین المللی به طور موفقیت آمیز اجرا شده اند و می توانند به عنوان ابزارهایی برای ارتقای عدالت رویه ای مورد استفاده قرار گیرند (Caron & Caplan, 2013).

نظام داوری ایران برای رسیدن به استانداردهای بین المللی نیازمند اصلاحات جدی در حوزه مشارکت اشخاص ثالث است. با تدوین مقررات شفاف، هماهنگ سازی رویه های قضایی و پذیرش اصول بین المللی، می توان عدالت رویه ای و قابلیت اجرایی آرای داوری را بهبود بخشید. هماهنگی با قواعد آنسیتال و اتاق بازرگانی بین المللی فرصتی است که می تواند نظام داوری ایران را در سطح بین المللی به جایگاهی معتبر و کارآمد برساند.

یافته های پژوهش

چالش ها و محدودیت های موجود در قوانین ایران

نظام حقوقی ایران در زمینه داوری بین المللی علی رغم پیشرفت های صورت گرفته در تصویب قانون داوری تجاری بین المللی (۱۳۷۶)، همچنان با چالش ها و محدودیت های جدی در خصوص مشارکت اشخاص ثالث مواجه است. این چالش ها را می توان در سه بخش کلیدی بررسی کرد:

تعارض میان استقلال داوری و حقوق اشخاص ثالث

یکی از اصول اساسی در داوری، استقلال اراده طرفین است که در نظام حقوقی ایران طبق بند ۱ ماده ۱۶ قانون داوری تجاری بین المللی به رسمیت شناخته شده است. این بند تصریح می کند که شرط داوری حتی اگر جزئی از قرارداد اصلی باشد، به طور مستقل از آن قرار دارد. با این حال، این اصل زمانی با چالش مواجه می شود که حقوق اشخاص ثالث در فرآیند داوری نادیده گرفته شود. در اینجا جمله شما با ارجاع به منبع شیروی بازنویسی شده است:

عدم وجود سازوکارهای قانونی برای اعتراض یا مشارکت اشخاص ثالث، می تواند منجر به نقض عدالت رویه ای در دعاوی پیچیده شود. در چنین شرایطی، ممکن است حقوق اشخاص ثالث که به طور غیرمستقیم تحت تأثیر داوری قرار دارند، رعایت نشود و این مسئله در نهایت به تعارضات قانونی و قضائی منجر گردد (Shirovi, 2010).

این تعارض باعث شده که برخی آرای داوری به دلیل عدم حضور یا اعتراض اشخاص ثالث از سوی محاکم ایران نقض شوند، درحالی که در قواعد بین المللی، چنین چالش هایی با استفاده از اصولی مانند قاعده استاپل و رضایت ضمنی مدیریت می شوند (Brekoulakis, 2016).

فقدان رویه قضایی منسجم

در ایران، محاکم در مواجهه با مسائلی مانند الحاق و اعتراض اشخاص ثالث، رویه های متفاوتی اتخاذ کرده اند. این عدم انسجام، ناشی از نبود دستورالعمل های اجرایی و تفسیری است. برخی محاکم با تفسیر مضیق از استقلال داوری، مشارکت اشخاص ثالث را رد می کنند، درحالی که برخی دیگر با استناد به اصل عدالت و حفظ حقوق ثالث، اقدام به ابطال آرای داوری می کنند (Sheikh-Mohammadi & Mohebbi, 2008). این تشتت رویه ای، عدم قطعیت حقوقی را در دعاوی داوری افزایش داده و اعتماد

سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی به فرآیندهای دآوری در ایران را کاهش داده است.

اجرای آرای دآوری با موانع قانونی

در سطح بین‌المللی، کنوانسیون نیویورک (۱۹۵۸) به‌عنوان مرجع اصلی اجرای آرای دآوری خارجی شناخته می‌شود. ایران نیز به این کنوانسیون پیوسته است، اما اجرای آرای دآوری که به‌طور غیرمستقیم یا مستقیم بر اشخاص ثالث تأثیر می‌گذارد، با موانع قانونی مواجه است (New York, 1958).

در نبود مقررات مشخص، محاکم داخلی ممکن است اجرای چنین آرای را به دلیل عدم رعایت حقوق اشخاص ثالث رد کنند که این امر نقض اصل کارآمدی در دآوری است (Caron & Caplan, 2013).

مزایای استفاده از اصول و قواعد بین‌المللی برای نظام حقوقی ایران

پذیرش اصول و قواعد بین‌المللی در زمینه مشارکت اشخاص ثالث می‌تواند به‌طور قابل‌توجهی به حل چالش‌های موجود در نظام حقوقی ایران کمک کند. در ادامه، مهم‌ترین مزایای این تطبیق ارائه می‌شود:

ارتقاء کارآمدی فرآیندهای دآوری

قواعد بین‌المللی مانند قواعد آنسیترا و اتاق بازرگانی بین‌المللی، مکانیزم‌هایی برای مدیریت مشارکت اشخاص ثالث ارائه می‌دهند که کارایی فرآیند دآوری را تضمین می‌کند. این قواعد با تعریف دقیق مفاهیم الحاق و اعتراض، از تأخیرهای غیرضروری جلوگیری کرده و روند رسیدگی به دعاوی را تسریع می‌بخشد (Blackaby et al., 2015). ایران می‌تواند با بهره‌گیری از این تجربیات، فرآیندهای دآوری خود را بهینه‌سازی کند.

تضمین عدالت رویه‌ای

یکی از مهم‌ترین مزایای پذیرش اصول بین‌المللی، تضمین عدالت رویه‌ای در دعاوی پیچیده است. اصولی مانند قاعده استاپل و

رضایت ضمنی، زمینه ورود و مشارکت اشخاص ثالث را بدون نقض استقلال دآوری فراهم می‌کند (Brekoulakis, 2016). این اصول می‌توانند به حفظ حقوق تمامی طرفین و جلوگیری از ابطال آرای دآوری کمک کنند.

افزایش قابلیت اجرای آرای دآوری

پذیرش مکانیزم‌های بین‌المللی باعث می‌شود که آرای دآوری صادره از سوی محاکم داخلی و خارجی با موانع کمتری در فرآیند اجرا مواجه شوند. این امر به‌ویژه در مواردی که اشخاص ثالث به نحوی در دعوی دخیل هستند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

قواعد بین‌المللی راهکارهایی مانند پذیرش کنوانسیون نیویورک (۱۹۵۸) برای اجرای آرای دآوری خارجی و استفاده از اصول حقوقی همچون قاعده استاپل و رضایت ضمنی برای تسهیل فرآیند اجرا، برای رفع موانع اجرایی ارائه می‌دهند که ایران می‌تواند از آن‌ها استفاده کند (Alipour Hersi & Tracht-Huber, 2019).

تقویت جایگاه ایران در نظام دآوری بین‌المللی

همانگی با استانداردهای بین‌المللی نه تنها باعث بهبود کارکرد نظام دآوری داخلی می‌شود، بلکه اعتبار ایران در نظام دآوری بین‌المللی را نیز ارتقا می‌دهد. این امر می‌تواند اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی را به دآوری در ایران افزایش داده و زمینه را برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی فراهم کند (Sheikh-Mohammadi & Mohebbi, 2008).

تأثیر مکانیزم‌های تطبیقی بر تضمین عدالت رویه‌ای

پذیرش مکانیزم‌های تطبیقی و هم‌سویی با اصول و قواعد بین‌المللی تأثیر بسزایی در تضمین عدالت رویه‌ای دارد. این مکانیزم‌ها شامل موارد زیر هستند:

الحاق و مشارکت منصفانه اشخاص ثالث

مکانیزم‌های مشخص برای الحاق اشخاص ثالث به فرآیند دآوری، مانع از نقض حقوق آن‌ها می‌شود. در قواعد اتاق بازرگانی

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های موجود در نظام حقوقی ایران نسبت به قواعد بین‌المللی در زمینه مشارکت اشخاص ثالث در فرآیند داوری پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهند که فقدان مقررات شفاف و سازوکارهای مشخص برای مشارکت اشخاص ثالث در داوری داخلی ایران، مشکلاتی در هماهنگی بین داوران و محاکم، و همچنین ابهام در اجرای آرای داوری ایجاد کرده است. این چالش‌ها نه تنها مانع از رعایت عدالت رویه‌ای در داوری‌های داخلی می‌شود، بلکه بر توانایی ایران در جلب اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی و جذب سرمایه‌های بین‌المللی نیز تأثیر منفی گذاشته است.

در مقایسه با قواعد بین‌المللی، به ویژه قواعد آنسیترال و اتاق بازرگانی بین‌المللی، که بر اصولی همچون استقلال اراده، رضایت ضمنی و محرمانگی تأکید دارند و با استفاده از ابزارهایی مانند قاعده استاپل و سازوکارهای الحاق و اعتراض اشخاص ثالث، چارچوب‌های قانونی منسجم و شفافی را ارائه می‌دهند، نظام حقوقی ایران هنوز در این زمینه فاقد قوانین و رویه‌های اجرایی مناسب است. به‌ویژه، عدم پیش‌بینی سازوکارهایی برای اعتراض یا مشارکت اشخاص ثالث باعث شده که بسیاری از دعاوی پیچیده در ایران با ابهام و مشکلات حقوقی مواجه شوند، که این امر باعث کاهش اعتبار داوری ایران در سطح بین‌المللی شده است.

برای رفع این مشکلات و بهبود کارآمدی نظام داوری ایران، لازم است که این کشور به‌طور جدی به پذیرش و تطبیق با اصول و رویه‌های بین‌المللی بپردازد. پیشنهاد می‌شود که ایران سازوکارهایی مشابه ماده ۷ قواعد اتاق بازرگانی بین‌المللی و مکانیزم‌های الحاق و اعتراض اشخاص ثالث در قواعد آنسیترال را در قوانین داخلی خود به‌کار گیرد. این اقدام می‌تواند به بهبود عدالت رویه‌ای، شفافیت و انسجام در فرآیند داوری کمک کند. همچنین، اصلاح و تکمیل قوانین داوری ایران، به‌ویژه در زمینه مشارکت اشخاص

بین‌المللی و آنسیترال، شرایط و ضوابط الحاق به‌طور دقیق تعریف شده‌اند که این امر به تضمین عدالت کمک می‌کند.

اعتراض و دفاع از حقوق ثالث

پذیرش حق اعتراض برای اشخاص ثالث، فرصتی برای دفاع از حقوق آن‌ها در فرآیند داوری ایجاد می‌کند. این مکانیزم مانع از صدور آرای ناعادلانه می‌شود و اصل عدالت را تضمین می‌کند (Brekoulakis, 2016).

رفع تعارضات ناشی از اصل محرمانگی

استفاده از استثنای منطقی مانند دسترسی به اطلاعات در صورت لزوم برای حفظ حقوق اشخاص ثالث یا دفاع از منافع قانونی آن‌ها، طبق قواعد آنسیترال و کنوانسیون نیویورک، به اشخاص ثالث اجازه می‌دهد تا به اطلاعات لازم دسترسی پیدا کنند و از حقوق خود دفاع کنند. این مکانیزم در قواعد بین‌المللی به‌خوبی پیش‌بینی شده و می‌تواند به رفع تعارضات در نظام ایران کمک کند (Asadi-Nejad & Farrokhandeh-Pour, 2018).

استانداردسازی رویه‌های قضایی

پذیرش دستورالعمل‌های بین‌المللی باعث می‌شود که رویه‌های قضایی داخلی در مواجهه با دعاوی شامل اشخاص ثالث استاندارد و منسجم شود. این امر از تفسیرهای متفاوت و متناقض جلوگیری کرده و کارایی نظام داوری را افزایش می‌دهد (Caron & Caplan, 2013).

پذیرش و تطبیق اصول و قواعد بین‌المللی در زمینه مشارکت اشخاص ثالث، راهکاری مؤثر برای حل چالش‌های موجود در نظام حقوقی ایران است. این تطبیق علاوه بر ارتقاء کارایی و تضمین عدالت رویه‌ای، می‌تواند قابلیت اجرای آرای داوری و اعتبار بین‌المللی نظام حقوقی ایران را افزایش دهد. هماهنگی با قواعد آنسیترال و اتاق بازرگانی بین‌المللی فرصتی است که نباید از آن غفلت کرد.

رفع خلأهای حقوقی ایران کمک کند و به ایجاد تعادلی میان حقوق طرفین و اشخاص ثالث منجر شود.

اصلاح و تکمیل قوانین داوری داخلی ایران: قوانین فعلی داوری ایران باید به‌روزرسانی شوند تا به‌طور خاص به دعاوی شامل اشخاص ثالث پاسخ دهند. این اصلاحات باید بر اساس تجربه‌های موفق بین‌المللی طراحی شوند.

آموزش و آشنایی داوران و قضات با اصول بین‌المللی داوری: آموزش داوران و قضات در خصوص اصول بین‌المللی مانند الحاق و اعتراض اشخاص ثالث و اصولی نظیر استاپل، به تقویت عدالت رویه‌ای و کارآمدی فرآیند داوری کمک خواهد کرد.

تقویت سازوکارهای اجرایی آرای داوری: ایجاد سازوکارهای داخلی برای اجرای آرای داوری که بر اشخاص ثالث تأثیر می‌گذارد، به‌ویژه در چارچوب کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸، می‌تواند باعث تقویت اعتبار ایران در عرصه داوری بین‌المللی و تسهیل فرآیندهای اجرایی شود.

تدوین سازوکارهای اختصاصی برای تعارضات میان اصل محرمانگی و حقوق اشخاص ثالث: ایران باید استثناهایی منطقی برای اصل محرمانگی در مواردی که حقوق اشخاص ثالث در معرض خطر قرار می‌گیرد، پیش‌بینی کند تا دسترسی آن‌ها به اطلاعات ضروری و دفاع از حقوقشان تضمین شود.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

This study examines the role and status of third parties in the arbitration process through a comparative analysis of the Iranian legal system and major international arbitral frameworks, especially the UNCITRAL regime and the Rules of the International Chamber of Commerce. The subject is significant because international commercial arbitration has

ثالث و تعارضات مرتبط با این موضوع، ضروری است. تدوین مقررات جدید با بهره‌گیری از تجربیات موفق کشورهای پیشرفته و همچنین ایجاد برنامه‌های آموزشی برای داوران و قضات در این زمینه می‌تواند تأثیر بسزایی در بهبود فرآیند داوری و افزایش اعتماد عمومی به این نظام داشته باشد.

پژوهش حاضر تأکید دارد که هم‌سو کردن قوانین ایران با استانداردهای بین‌المللی نه تنها موجب افزایش کارآمدی فرآیندهای داوری و ارتقاء شفافیت می‌شود، بلکه باعث افزایش جذابیت ایران برای سرمایه‌گذاران خارجی و تقویت جایگاه این کشور در تجارت بین‌المللی خواهد شد. بهبود قوانین و رویه‌های داوری ایران و پذیرش اصولی مانند رضایت ضمنی، قاعده استاپل و سازوکارهای الحاق و اعتراض، می‌تواند به تسهیل حل و فصل دعاوی پیچیده کمک کند و در نهایت، به توسعه و تقویت نظام داوری ایران در سطح بین‌المللی منجر شود.

پیشنهادهای برای بهبود نظام داوری ایران و حل چالش‌های موجود در این زمینه به شرح زیر است:

ایجاد مقررات شفاف و سازوکارهای قانونی برای مشارکت اشخاص ثالث: پیشنهاد می‌شود که ایران مقررات جدیدی برای تعیین نقش و حقوق اشخاص ثالث در فرآیند داوری تدوین کند. این مقررات باید شفافیت لازم را برای پذیرش یا اعتراض اشخاص ثالث، به‌ویژه در دعاوی پیچیده، فراهم آورند.

پذیرش و تطبیق با قواعد بین‌المللی: پذیرش قواعد بین‌المللی مانند آنسیترال و قواعد اتاق بازرگانی بین‌المللی در خصوص اصولی مانند استقلال اراده، رضایت ضمنی، و قاعده استاپل می‌تواند به

become one of the principal mechanisms for resolving cross-border business disputes due to its procedural flexibility, relative speed, expertise-oriented adjudication, and protection of confidentiality, yet the growing complexity of modern commercial relations has challenged the traditional bilateral model of arbitration and made the participation of non-signatory or non-party actors increasingly

relevant (Blackaby et al., 2015; Born, 2014; Caron & Caplan, 2013). In many contemporary disputes, the legal and economic effects of an arbitral proceeding are not confined to the formal parties to the arbitration agreement; rather, affiliated companies, investors, guarantors, subcontractors, assignees, beneficiaries, and other legally interested actors may be directly or indirectly affected by the award. This development has generated important doctrinal and practical questions concerning the legal basis for the joinder, intervention, representation, or objection of third parties, especially in light of foundational arbitral values such as party autonomy, consent, separability, and confidentiality (Brekoulakis, 2016; Hosking, 2004; Voser, 2009). The central objective of the study is therefore to determine how third-party participation can be structured in a way that preserves the contractual nature of arbitration while also protecting procedural fairness and preventing the impairment of legitimate third-party interests. The research further seeks to identify the normative gaps in Iranian arbitration law and to assess whether the adoption of selected international mechanisms could improve coherence, fairness, and enforceability in Iranian arbitral practice (Sheikh-Mohammadi & Mohebbi, 2008; Shirovi, 2010).

The study is based on a comparative legal methodology and relies on the analysis of statutory materials, arbitral rules, doctrinal writings, and the conceptual foundations of international arbitration. It focuses specifically on three interrelated dimensions of third-party involvement: joinder to arbitral proceedings, third-party objection to arbitral awards, and participation through representation or derivative legal connection. Within international arbitration theory, the participation of third parties is often justified not by abandoning consent, but by interpreting consent and legal relationship

more broadly through doctrines such as implied consent, estoppel, direct-benefit reasoning, legal interest, group-of-companies reasoning in some contexts, and functional commercial reality (Brekoulakis, 2016; Hosking, 2004; Voser, 2009). At the same time, the study addresses the tension between the principle of party autonomy and the need to prevent injustice where an award may materially affect a person who was not formally included in the arbitral process. Confidentiality constitutes a second major axis of analysis, because arbitration is valued precisely for limiting disclosure to outsiders, yet strict confidentiality may in practice prevent an affected third party from accessing information necessary to protect its rights (Alexander & Chong, 2019; Asadi-Nejad & Farrokhandeh-Pour, 2018; Born, 2014). By placing Iranian law beside international rules and commentary, the study attempts to clarify not merely whether third-party participation is possible, but under what legal standards, procedural safeguards, and policy considerations such participation becomes justified. This method allows the research to move beyond abstract doctrinal claims and instead identify which international solutions are structurally transferable to the Iranian legal order and which would require legislative adaptation or jurisprudential development (Blackaby et al., 2015; Caron & Caplan, 2013; United Nations Commission on International Trade, 2010).

The comparative analysis demonstrates that international arbitral frameworks have gradually developed mechanisms for accommodating third-party participation without entirely sacrificing consent-based arbitration. Under the international model, third-party entry is not treated as an unrestricted procedural right; rather, it is conditioned on legal relevance, a sufficiently close connection to the underlying dispute, and procedural compatibility with the rights of

the original parties. The UNCITRAL framework is important because it reflects an effort to reconcile procedural fairness with arbitral efficiency, particularly in complex and multiparty disputes, while the broader UNCITRAL transparency discourse also illustrates how the interests of non-parties may justify a calibrated opening of the arbitral process in specific categories of disputes, especially investment-related disputes (Asadi-Nejad & Farrokhandeh-Pour, 2018; Qalehban & Shams, 2018; United Nations Commission on International Trade, 2010). Likewise, the ICC framework provides more visible procedural architecture for joinder and related participation, especially through its treatment of additional parties and the conditions under which their presence may be admitted without undermining the integrity of the arbitration agreement (Blackaby et al., 2015; Khazaei, 1994). International doctrine also shows that third-party participation may be justified where the non-party has assumed obligations connected to the contract, has knowingly benefitted from it, is represented through a legally relevant relationship, or is estopped from denying the arbitral arrangement after conduct indicating acceptance of the arbitral framework (Brekoulakis, 2016; Hosking, 2004; Voser, 2009). The study therefore finds that international rules do not simply permit third-party intervention in a discretionary or ad hoc manner; rather, they increasingly rely on identifiable legal standards that enable arbitral tribunals to manage participation in a way that supports due process, reduces fragmentation of disputes, and enhances the legitimacy of arbitral outcomes (Blackaby et al., 2015; Born, 2014; Caron & Caplan, 2013).

In contrast, the Iranian legal system, despite having taken an important step by adopting the International Commercial Arbitration Act, still lacks an explicit and coherent regulatory framework concerning the role of third parties in arbitration. The Iranian model recognizes

core arbitral principles such as party autonomy, the validity of arbitration agreements, and the significance of private dispute resolution, but it does not clearly define the procedural position of a third party whose rights may be affected by an arbitral award (Emamian et al., 2016; Shirovi, 2010). As a result, major issues such as joinder, compulsory participation, derivative representation, third-party objection, and access to arbitral information remain insufficiently regulated. This regulatory silence has both theoretical and practical consequences. At the theoretical level, it creates uncertainty about how to reconcile the relativity of contracts with the real economic structure of multiparty commercial relations. At the practical level, it produces inconsistent approaches in domestic adjudication and weakens the predictability of arbitral enforcement where non-parties later challenge the consequences of an award (Sheikh-Mohammadi & Mohebbi, 2008; Shirovi, 2001). The study indicates that Iranian arbitration law has not yet internalized the international doctrinal tools that would allow limited, principle-based recognition of third-party participation, such as implied consent, estoppel, and direct legal interest (Alipour Hersi & Tracht-Huber, 2019; Brekoulakis, 2016). The problem is aggravated by the strong pull of confidentiality, because in the absence of express statutory exceptions or procedural mechanisms, a third party may be denied meaningful access even where the award has substantial economic or legal consequences for that party. Accordingly, the Iranian framework presently operates with a narrow and often formalistic understanding of arbitral participation that is ill-suited to contemporary commercial complexity (Abolfath et al., 2023; Nezami et al., 2024; Qalehban et al., 2024).

The findings of the research show that the most serious weakness of the Iranian system is not merely the absence of a single procedural

rule, but the absence of an integrated model for balancing party autonomy, confidentiality, and third-party fairness. This weakness affects procedural justice, enforceability, and the credibility of Iranian arbitration as a venue for complex international disputes. By contrast, international rules and scholarship provide a set of workable instruments that can be adapted rather than copied mechanically. These include express joinder provisions, clarified standards for legal interest, tribunal discretion subject to due process safeguards, narrowly tailored exceptions to confidentiality, and structured avenues for objection when an award materially affects the rights of a non-party (Blackaby et al., 2015; United Nations Commission on International Trade, 2010; Voser, 2009). The study also finds that harmonization with international standards would likely improve the enforceability of awards and strengthen confidence among foreign investors and commercial actors, particularly because international commerce increasingly depends on legal systems that can process networked contractual relationships rather than only bilateral disputes (Born, 2014; Caron & Caplan, 2013; New York, 1958). From a reform perspective, Iranian law would benefit from expressly recognizing the possibility of third-party participation under defined conditions, codifying standards for objection by affected non-parties, and training judges and arbitrators to apply internationally familiar doctrines in a disciplined manner (Alexander & Chong, 2019; Alipour Hersi & Tracht-Huber, 2019; Sheikh-Mohammadi & Mohebbi, 2008). Such reforms would not undermine the consensual nature of arbitration; rather, they would protect the system from injustice, fragmentation, and post-award disputes by aligning legal form with commercial reality (Blackaby et al., 2015; Brekoulakis, 2016; Hosking, 2004).

In conclusion, the study shows that the question of third-party participation is no longer peripheral in international arbitration; it has become central to the integrity and effectiveness of dispute resolution in complex commercial settings. The Iranian legal system has established the basic foundation for international commercial arbitration, but it still falls short in addressing the procedural and substantive implications of third-party involvement. A more coherent legal framework is needed to regulate joinder, objection, representation, and controlled access to arbitral information where non-party rights are directly implicated. The comparative findings indicate that reform should aim at balance rather than expansion for its own sake: the goal is not to dissolve the consensual structure of arbitration, but to prevent unfairness where rigid exclusion of third parties produces legal and economic harm. If Iran adopts clearer legislative rules, develops a more consistent judicial approach, and integrates selected international doctrines into its arbitration practice, it can significantly improve procedural justice, legal certainty, and the enforceability of arbitral awards. Such developments would also strengthen Iran's position within international commerce by making its arbitral system more responsive to the realities of multiparty transactions and more credible for domestic and foreign economic actors alike.

References

- Abbasi, A., & Ramezani, A. (2014). Identification and Financial Evaluation of BOT Projects with a Risk Management Approach Using the AHP-DEA Method. *Financial Knowledge of Securities Analysis*, 8(25), 69-79.
- Abolfath, J. A., Nouri Youshanlouei, J., & Eshraghi Arani, M. (2023). Examining the Legal Risk of Public-Private Partnership (PPP) Contracts in Iran.
- Alexander, N., & Chong, S. (2019). *The Singapore Convention on Mediation: A Commentary*. Wolters Kluwer.
- Alipour Hersi, A., & Tracht-Huber, W. (2019). Implications of the Singapore Convention: A

- Comparative Analysis. *Legal Research Journal*, 19(43), 237-266. <https://doi.org/10.48300/jlr.2020.114215>
- Asadi-Nejad, M., & Farrokhandeh-Pour, S. (2018). A Comparative Study of the Separability of the Arbitration Clause from the Main Contract in the Iranian International Commercial Arbitration Law and the UNCITRAL Model Law. *Law Journal*, 7(1397), 37-52. <https://doi.org/10.2018.31689cilamagi>
- Blackaby, N., Partasides, C., Redfern, A., & Hunter, M. (2015). *Redfern and Hunter on International Arbitration* (6th ed.). Oxford University Press.
- Born, G. (2014). *International Commercial Arbitration*. Kluwer Law International.
- Brekoulakis, S. (2016). Parties in International Arbitration: Consent v. Commercial Reality. In S. Brekoulakis & J. D. M. Lew (Eds.), *The Evolution and Future of International Arbitration* (pp. 119-160). Kluwer Law International.
- Caron, D. D., & Caplan, L. M. (2013). Introduction. In *The UNCITRAL Arbitration Rules: A Commentary* (2nd ed.). Oxford Academic. <https://doi.org/10.1093/law/9780199696307.003.0001>
- Emamian, S., Jalali, G., & Shahanaghi, K. (2016). Proposing a Method for Determining the Concession Period and Transfer Point of Power Plant Construction Projects Using the BOT (Build-Operate-Transfer) Approach. *Iranian Journal of Quality and Productivity in Electric Power Industry*, 5(10), 41-50.
- Hosking, J. (2004). The Third Party Non-Signatory's Ability to Compel International Commercial Arbitration: Doing Justice without Destroying Consent. *Pepperdine Dispute Resolution Law Journal*, 4, 235-260.
- Khazaei, H. (1994). Rules of Conciliation and Arbitration of the International Chamber of Commerce. *Journal of the Faculty of Law and Political Science*(32), 67-98.
- New York, C. (1958). Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards. <https://treaties.un.org>
- Nezami, M., Mirarab, S., Hemmati, H., & Khandan Alamdari, S. (2024). Identification and Explanation of the Interrelationships Among Investment Risks in Public-Private Partnership Projects in the Oil Industry. *Investment Knowledge*, 13(52), 573-594. <https://doi.org/10.30495/jik.2024.23242>
- Qalehban, M., & Shams, A. (2018). Analysis of the UNCITRAL Transparency Rules in Investment Arbitration. *Journal of International Law*(85), 212-293. <https://doi.org/10.2018.31689cilamagi>
- Qalehban, M., Shams, A., & Baviyaghchi-Firouzi, A. (2024). Designing a Financial Risk Assessment Model for Iranian Road Construction Projects under the Public-Private Partnership Financing Method. *Journal of Structural and Construction Engineering*, 8(7).
- Sheikh-Mohammadi, M., & Mohebbi, M. (2008). The Role of UNCITRAL in the Development of International Trade Law. *Avaye Edalat Journal*, 1, 45-67.
- Shirovi, A. (2001). Build, Operate, and Transfer (BOT) Projects. *Mofid Quarterly*, 6.
- Shirovi, A. (2010). *International Trade Law*. SAMT Publications.
- United Nations Commission on International Trade, L. (2010). UNCITRAL Arbitration Rules. <https://uncitral.un.org/en/texts>
- Voser, N. (2009). Multi-Party Disputes and Joinder of Third Parties. In A. Berg (Ed.), *50 Years of the New York Convention: ICCA International Arbitration Conference* (pp. 343-410). Kluwer Law International.